



بیانات در جمع کارکنان وزارت اطلاعات - 13 / مهر / 1383

الان ماه شعبان متأسفانه دارد تمام می‌شود. ماه شعبان، ماه دعا و ماه عبادت است. در همین صلواتی که در مفاتیح مقرر است: «الذی کان رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) یدأب فی صیامه و قیامه فی لیالیه و ایامه بخوعاً لک فی اکرامه واعظامه الی محلّ حمامه»؛ پیغمبر تا دم مرگ، تا آخر عمر، ماه شعبان را بزرگ می‌داشت و در مقابل ماه شعبان خضوع می‌کرد و عادت داده بود خودش را به صیام و قیام در ماه شعبان. در دنباله‌ی این صلوات هست که: «اللّهم فاعثاً علی الاستئذان بستته فیه»؛ از خدا می‌خواهد که ما را هم موفق بدار که همان سنت پیغمبر را در ماه شعبان رعایت کنیم. این ماه شعبان - حتماً می‌دانید دیگر - دالان و دهلیز ماه رمضان است. ماه رمضان تالار ضیافت الهی است؛ یک تالار عظیم که اگر کسی وارد آن تالار شد و به خود فرصت داد و همت کرد که از آنچه در آن جا خدای متعال آماده کرده، به خودش بهره‌ی برساند، بهره‌ی فراوانی خواهد برد که آن بهره در ماه شوال و ماه‌های دیگر سال نیست؛ فقط مخصوص ماه رمضان است. انواع و اقسام ضیافتهای الهی: رحمت الهی، عزت الهی، توفیق الهی، قرب الهی، استغنائی ناشی از فضل الهی، رزق مادی، رزق معنوی، همه در ماه رمضان است؛ اینها را سر سفره‌ی ماه رمضان گذاشته‌اند. بعضی‌ها می‌آیند و به این سفره نگاه نمی‌کنند و از وسط این سفره و اشیاء آن عبور می‌کنند و می‌روند و هیچی هم گیرشان نمی‌آید؛ بعضی‌ها یک چیز مختصری برمی‌دارند؛ یک روزهی می‌گیریم ما؛ یک مختصرکی، یک چیزی؛ اما بعضی‌ها نه، حسابی می‌نشینند سر این سفره و از رحمت الهی کیسه‌ی خودشان را پُر می‌کنند؛ عزت می‌خواهند، دنیا می‌خواهند، آخرت می‌خواهند؛ رفع گرفتاری می‌خواهند، گشایش در زندگی می‌خواهند، استغنائی طبع می‌خواهند، صفات و خُلق حسنه می‌خواهند؛ هرچه می‌خواهند، برای خودشان و برای دیگران برمی‌دارند. برای این که انسان بتواند وقتی وارد این تالار شد، چشمش باز باشد، غافل نشود، دچار گیجی و گولی نشود که سرش را بیندازد پایین و از این در وارد شود و از آن در بیرون برود؛ نگاهی به دوروبر کند و استفاده‌ی ببرد و برای این که این آمادگی در من و شما پیدا شود، این ماه رجب و شعبان را قرار داده‌اند؛ رجب یک جور، شعبان یک جور دیگر. رجب، بیشتر ماه نماز است؛ شعبان، بیشتر ماه دعا و روزه است؛ این مناجات شعبانیه را ببینید. من یک وقتی از امام (رضوان‌الله‌علیه) پرسیدم در این دعا‌های مأثوری که وجود دارد، شما کدام دعا را بیشتر از همه خوشتان می‌آید و دوست دارید. فرمودند: دعای کمیل و مناجات شعبانیه. اتفاقاً هر دو دعا هم مال ماه شعبان است؛ دعای کمیل که می‌دانید اصلاً ورود اصلی‌اش مال شب نیمه‌ی شعبان است، مناجات شعبانیه هم که از ائمه نقل شده، متعلق به ماه شعبان است. لحن این دو دعا به هم نزدیک است؛ هر دو عاشقانه است. در مناجات شعبانیه: «و ان ادخلتني النار اعملت اهلها اتي احبك»؛ جهنم هم که من را ببری، فریاد می‌کشم تو را دوست دارم. و در دعای کمیل: «لان ترکنتی ناطقاً لاضحّن الیک بین اهلها ضحیح الاملین و لاصرخنّ الیک صراخ المستصرخین و لابکین بکاء الفاقدين»؛ اگر به من در جهنم اجازه بدهی و نطق را از من نگیری، فریاد می‌کشم؛ فریاد امیدواران، فریاد دلدادگان و فریاد دلباختگان را.

باید با اینها مأنوس بشویم و قدری دلمان را نرم کنیم. این دل چیز عجیبی است؛ گاهی اوقات به وسیله‌ی که انسان را به اوج آسمانها و اوج معنویت می‌برد، تبدیل می‌شود؛ گاهی هم بعکس، به سنگ سنگینی تبدیل می‌شود که بسته شده به پای انسان و انسان را تا اعماق آب، تا اعماق دره فرو می‌برد؛ غرق می‌کند؛ پدر انسان را درمی‌آورد. اگر دل را به پول و به شهوت جنسی و به مقام و به این چیزها دادید، این همان سنگ سنگین است؛ دل دیگر نیست. در آن صورت:

ده بود آن، نه دل که اندر وی
گاو و خر بینی و ضیاع و عقار



آن دلی که انسان در آن عشق اتومبیل فلان جور دارد، آن دل نیست، گاراژ است! بنگاه معاملاتی است! آن دلی که همه‌اش در آن میل جنسی موج می‌زند، دیگر دل نیست، آن عشرتخانه است. شاعر، آن زمان که ضیاع و عقار و زمین و ملک و گاو و خر در زندگی نقش داشته، از اینها نام برده و می‌گوید دلی که اینها در آن باشد، آن جا طویله است! ده است! دل، نیست؛ دل جای خداست؛ جای نور است.